



تاریخ نگار گمنام شیعی؛ ابوالبقاء هبة الله حلی و کتاب المناقب المزیذیه فی اخبار الملوک الاسدیة

پدیدآورده (ها) : رحمتی، محمد کاظم

کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: کتاب ماه دین :: فروردین و اردیبهشت 1383 - شماره 78 و 79
از 39 تا 42

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/34100>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان

تاریخ دانلود : 25/11/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

نکته‌ها و یادداشت‌ها

تاریخ نگار گمنام شیعی:

ابوالبقاء هبة الله حلی و کتاب المناقب المزیذیه فی اخبار الملوک الاسدیة

• محمد کاظم رحمتی

اشاره: یکی از متون کهن تاریخی که محققان تاریخ اسلام کمتر به آن توجه داشته‌اند کتاب المناقب المزیذیه فی اخبار الملوک الاسدیة تألیف عالم امامی ابوالبقاء هبة الله حلی است. این کتاب براساس یگانه نسخه خطی آن در کتابخانه بریتیش میوزیوم (Br. Mus 23296) است که دو محقق اردنی به نام‌های صالح موسی درداکه و محمد عبدالقادر خریسات (عمان: مکتبه الرسالة الحدیثه، ۱۴۰۴ ق) در دو جلد چاپ کرده‌اند. دو نکته مهم درباره این کتاب از چشم محققان آن به دور مانده است. مطلب نخست، مؤلف کتاب است که نام کامل آن در نسخه خطی نیامده و با عنوان ابوالبقاء هبة الله حلی از او یاد شده است که محققان او را ابوالبقاء هبة الله محمد بن نما حلی ربعی از خاندان آل نما معرفی کرده‌اند که نادرست است و مؤلف احتمالی این اثر ابوالبقاء هبة الله ناصر بن حسین بن نصر / نصیر (حلی) است. مطلب دیگر درباره منابع کتاب است. مصادر این کتاب، متون کهن تاریخی و اغلب تألیف عالمان امامی است که اینک موجود نیستند و این بر اهمیت کتاب می‌افزاید. این نوشتار به این مطلب می‌پردازد.

اسناد کتاب

۱. حدثنی الرئيس ابونصر محمد بن علی بن جیاء رحمه الله، سنة ۴۹۴ ج ۱، ص ۵۱.
- درباره این فرد چیزی در منابع موجود نیست. تنها می‌دانیم که مؤلف کتاب از وی اخباری درباره صدقه بن منصور دبسی، حاکم شهر حله در سال‌های ۴۷۸-۵۰۱ ق نقل کرده است (ج ۱، ص ۵۱-۵۳).
۲. اخبرنا محمد بن هبة الله بن جعفر اجازه عن ابی یعلی محمد بن حسن الجعفری عن علی بن الحسین عن محمد بن عمران بن موسی المرزبانی عن احمد بن سلیم الطوسی عن الزبیر بن بکار (ج ۱، ص ۶۴، ۲۷۵، ۲۷۷، ۲۸۳).
- رجال این سلسله سند را به خوبی می‌توان شناخت. ظاهراً مقصود از محمد بن هبة الله بن جعفر، عالم نامور امامی ابو عبدالله محمد بن هبة الله بن جعفر وراق طرابلسی از شاگردان و راویان آثار شیخ طوسی (متوفی ۴۶۰ ق) است که منتجب‌الدین رازی (۵۸۶ ق) از طریق احمد بن محمد بن احمد قمی اجازه روایت کتاب‌های الزهد، النیات و الفرج وی را گرفته است (ص ۱۰۰-۱۰۱ نیز بحار الانوار، ج ۱۰۲ ص ۲۶۵). علامه حلی (متوفی ۷۲۶ ق) نیز در اجازه مشهور خود به بنوهره از کتاب دیگر این عالم امامی به نام العمل فی اليوم و اللیلة نیز یاد کرده و طریق خود در روایت آن را بیان کرده است (بحار الانوار، ج ۱۰۴ ص ۱۱۱).^۱ فرد بعدی این سلسله سند،

یکی از مشکلات تصحیح متون کهن خطی تک‌نسخه، هویت مؤلف است که گاه باید با حدس و گمان‌هایی از شواهد درونی و بیرونی به آن پی برد. منظور از شواهد بیرونی، نقل قول‌هایی از آن کتاب در آثار بعدی و مراد از شواهد درونی، آگاهی‌های تاریخی مندرج در متن کتاب است. در کتاب‌هایی که اخباری با سلسله سند نقل شده امکان بررسی درونی بیشتر است و شاید ساده‌ترین نوع بررسی، شواهد درونی باشد. یکی از این گونه متون، کتاب المناقب المزیذیه فی اخبار الملوک الاسدیة است که سال‌ها قبل دو محقق اردنی آن را بر اساس تنها نسخه خطی آن در بریتیش میوزیوم و با انتساب به عالم امامی ابوالبقاء هبة الله محمد بن نماحلی ربعی چاپ کرده‌اند. آقای حسن انصاری قمی در نوشته‌ای کوتاه، برای نخستین بار در این انتساب تردید کردند و مؤلف کتاب را ناشناخته‌تر از امامی ابوالبقاء هبة الله ناصر بن حسین بن نصر / نصیر معرفی کردند.^۱ ایشان تفصیل علت این انتساب را بیان نکردند که بهانه‌ای برای نگارش این نوشتار شد. شواهدی در متن کتاب آمده که بر اساس آنها می‌توان مؤلف کتاب را شناخت. نخستین دسته از شواهد، سلسله اسناد مؤلف در نقل برخی اخبار تاریخی است. مصححان کتاب آشنایی چندانی با رجال این اسناد نداشته‌اند، از این رو نقل کامل این اسناد به عنوان اولین قدم در شناخت مؤلف کتاب مؤثر خواهد بود.

(۴۲۴ ق) به دنیا آمده و در کوفه از عالم نامدار زیدی ابو عبدالله علوی (متوفی ۴۴۵ ق) مؤلف کتاب الجامع الکافی سماع حدیث کرد و کتاب مشهوری در اربعین حدیث دارد که در چند نسخه خطی باقی است. وی در (۵۱۰ ق) درگذشت.^۵

۷. و أخبرنا القاضي أبو المعالي أحمد بن قدامة إجازة عن علي بن الحسين العلوي عن أبي عبيد الله محمد بن عمران بن موسى المرزبانی (ج ۱، ص ۲۵۰، ۲۵۳).

أبو المعالي أحمد بن علي بن قدامة (متوفی ۴۸۶ ق) از راویان مشهور نهج البلاغه از سید رضی و از شاگردان علی بن حسین مشهور به سید مرتضی (متوفی ۴۳۶ ق) است.^۶

آنچه که از بررسی اسناد فوق می توان دریافت آن است که مؤلف ما از شاگردان شاگردان شیخ طوسی (متوفی ۴۶۰ ق) و سید مرتضی (متوفی ۴۳۶ ق) بوده است. متأخرترین فردی که وی از آن نقل قول کرده است، ابوالفنائم نرسی (متوفی ۵۱۰ ق) است و مشایخ وی شاگردان شیخ طوسی و سیدمرتضی هستند.

مؤلف احتمالی کتاب

مصححان کتاب به این مطلب اشاره کرده اند که تنها نشانی مذکور در نسخه خطی از مؤلف این است که از وی به ابوالبقاء هبة الله حلی یاد شده است و آنها مراد از این نام را عالم امامی ابوالبقاء محمد بن هبة الله بن نما بن علی بن حمدون ربعی دانسته اند.^۷ اینکه مراد از ابوالبقاء هبة الله حلی، همین عالم امامی است یا خیر، مطلبی است که با بررسی مشایخ وی می توان به آن پاسخ گفت. در میان سلسله اسناد مختلفی که نام ابوالبقاء هبة الله بن نماحلی در آن آمده، دو سلسله سند اهمیت خاصی دارند. یکی از این سلسله سندها دلالت بر حیات ابن نما حلی در ۵۶۵ و بعد از آن دارد. مرحوم مجلسی (متوفی ۱۱۱۰ ق) در آغاز جلد نخست بحار الانوار (ص ۷۶) در بحث از منابع خود به نسخه ای از کتاب سلیم بن قیس هلالی اشاره کرده که سلسله روایت موجود در نسخه ای از آن که در اختیار وی بوده، چنین بوده است: «أخبرنا الرئيس العفيف أبي البقاء (در متن به خط ابوالتقی) هبة الله بن نما بن علی بن حمدون رضی الله عنه قراءة عليه بداره بحلة الجامعين في جمادی الأولى سنة ۵۶۵ قال حدثني... أبو عبدالله الحسين بن أحمد بن طحال المقدادی - سنة ۵۲۰ ق»^۸ همچنین به واسطه کتاب المزمار (ص ۴۳۴ - ۴۳۵، ۵۶۶ - ۵۶۷) محمد بن جعفر مشهیدی حائری از حیات ابن نما در ۵۶۹ و ۵۷۳ ق مطلع می شویم. این تاریخها دلالت دارد که ابن نما حلی نمی تواند مؤلف کتاب با توجه به روایت مؤلف کتاب ما از ابن قدامة (متوفی ۴۸۶ ق) و نرسی (متوفی ۵۱۰ ق) باشد. حال این سؤال مطرح می شود که مؤلف کتاب

ابویعلی محمد بن حسن بن حمزه جعفری (متوفی ۴۶۳ ق)، عالم مشهور امامی و داماد شیخ مفید (متوفی ۴۱۳ ق) است که بعد از وفات شیخ مفید، عهده دار رهبری جامعه شیعیان بوده است. از وی کتابی به نام نزهة الناظر و تنبيه خاطر باقی مانده که محدث نوری (متوفی ۱۳۲۰ ق) از آن در مستدرک الوسائل (ج ۸، ص ۲۸۰، ۴۶۰) نقل قول کرده است. در این سلسله سند ابویعلی جعفری از سید مرتضی علی بن حسین موسوی (متوفی ۴۳۶ ق) به اسناد وی، ظاهراً از کتاب نسب قریش زبیر بن بکار که مؤلف در موارد دیگری نیز از این کتاب وی بهره برده، نقل قول می کند. ۳. أخبرنا جماعة عن محمد بن الحسن عن جماعة عن أبي المفضل عن حميد بن [زيد عن] يونس بن علي العطار عن نصر بن مزاحم (ج ۱، ص ۲۱۱)؛ و بالاسناد عن نصر بن مزاحم (ج ۱، ص ۲۱۲)؛ أخبرنا جماعة بالاسناد المذكور عن نصر بن مزاحم (ج ۱، ص ۲۱۸ - ۲۲۱)؛ و روی نصر بن مزاحم التميمي ثم المنقري (ج ۱، ص ۷۲).

این سلسله اسناد در حقیقت، طریق مؤلف کتاب در روایت اثر مشهور وقعة الصفین تألیف عالم امامی نصر بن مزاحم منقری است.^۹ مؤلف در نقل این کتاب به طریق گروهی از شیخ طوسی و طریق وی از ابوالفضل محمد بن عبدالله شیبانی از حمید بن زید (متوفی ۳۱۰ ق) از یونس بن علی عطار از نصر بن مزاحم منقری است.

۴. أخبرنا الرئيس أبو القاسم يحيى بن محمد بن عيسى إجازة عن أبي غالب محمد بن سهل المعروف بابن بشران الواسطي عن أبي بكر بن مقسم البصري المقرئ و أبي علي محمد بن عيسى الطوماري جميعاً عن أبي العباس محمد بن يزيد الأزدي ثم الثمالي المبرد (ج ۱، ص ۲۲۸). هویت فرد نخست را نشناختیم، ولی فرد بعدی محمد بن احمد بن سهل بن بشران واسطی (متوفی ۴۶۲ ق) است که شرح حال وی را در آثار مختلف از جمله سیر اعلام النبلاء ذهبی (ج ۱۸، ص ۲۳۵ - ۲۳۶) نیز می توان یافت.

۵. أخبرنا جماعة عن محمد بن الحسن [الطوسي] عن أحمد بن عبدون عن أبي طالب الأنباري عن أبي بشر أحمد بن إبراهيم العمي عن أحمد بن عمرو (ج ۱، ص ۲۹۸، ۲۹۹ - ۳۰۱)؛ و روی احمد بن جمهور عن أبيه عن إبراهيم بن المنذر (ج ۱، ص ۲۷۶).

فرد نخست این سلسله سند، شیخ طوسی (متوفی ۴۶۰ ق) است که از احمد بن عبدون مشهور به ابن حاشر (ر.ک: همین عنوان در دائرة المعارف بزرگ اسلامی) از ابوطالب انباری (متوفی ۳۵۶ ق) و راوی کتاب الواحدة حسن بن محمد بن جمهور عمی است (رجال النجاشی، ص ۶۲). ۶. ما أخبرنا به ابوالفنائم محمد بن علی بن میمون النرسی المعدل بالكوفة (ج ۱ ص ۲۴۶).

مراد از این فرد، ابوالفنائم محمد بن علی بن میمون نرسی است که

کنند. از جمله با ایجاد مناصبی چون ردافه، ذوالآکل و اعطای این مقامات به رؤسای قبایل عرب هم پیمان. ابوالبقا علت اعطای این مناصب به برخی از قبایل را نیز ذکر کرده است. ردافه را به بنو یربوع داده بودند، چرا که بیشترین حملات از جانب آنها به حیره صورت می گرفت و موجب ناامنی در سواد و به تبع آن در امر بازرگانی حیره بودند. برای آنکه از این اعمال بازداشته شوند، منصب ردافه به آنها داده شده بود. ابوالبقا آن گاه ردافه را چنین وصف کرده است: ردافه مقامی بود که عهده دار آن در جایگاهی هم تراز با ملک می نشست و هم بیاله او در نوشیدن بود و هنگام حرکت در پس شاه، مقامش به سان صاحب الجیش در زمان ما (روزگار ابوالبقا) یا منزلتی همانند آن است (ج ۲، ص ۴۳۳) نیز رک: لسان العرب ذیل «ردف» ابوالبقا توضیح دیگری نیز درباره ردافه در جایی دیگر آورده است (ج ۱، ص ۱۰۵) راه دیگر، اعطای اقطاع به قبایل دوست بوده است (ج ۲، ص ۵۰۰ - ۵۰۱). اطلاعات ابوالبقا درباره قبایل عرب منحصر به فرد و یگانه است. او قبایل عرب را با توجه به رابطهای که با حیره داشته اند به سه گروه تقسیم می کند: ۱. قبایل مستقل (لقاح) ۲. قبایلی که هم پیمان حیره بودند ۳. قبایلی که در نواحی مرزی حیره سکونت داشتند و مطیع آنان بودند. (ج ۲، ص ۳۶۹ و ۴۳۲ به بعد). ابوالبقا اشاره دارد که اعراب به سبب همجواری با ایران و حیره مجبور به اطاعت از آنها بودند؛ گرچه ایرانیان هم مجبور بودند به منظور جلوگیری از حمله آنها به سواد امتیازاتی به آنها بدهند (ج ۲، ص ۳۶۷). آن گاه ابوالبقا به معرفی قبایل می پردازد و نکات جالب توجهی از وضع این قبایل ارائه می دهد (ج ۲، ص ۳۶۹ به بعد). او با نگاه تیزبین خود به سیاست دیگر حیره اشاره می کند که استفاده از دشمنی های بین قبیله ای است. (ج ۲ ص ۳۶۸). همچنین برخی قبایل همجوار حیره برای تهیه آذوقه و مایحتاج خود به حیره وابسته بودند. (ج ۲، ص ۳۶۸) راه دیگر اتخاذ شده از سوی حیره، اعطای وظیفه محافظت کاروان های تجارتی و جمع آوری مالیات و خراج ها به برخی قبایل بوده است. از دید ابوالبقا دولت حیره، هم به دلیل اجبار در اطاعت از ایران و هم به طمع غنائیم، گه گاه به اعراب مخالف خود حمله می کردند (ج ۲، ص ۳۶۷). نکته جالب توجه این است که اگر امرای حیره به واسطه ایرانیان تقویت نمی شدند چندان توان مقاومت در برابر اعراب نداشتند (ج ۱، ص ۶۲؛ ج ۲، ص ۳۶۸). بخش مهم دیگر از آگاهی های ابوالبقا اطلاعات ارائه شده از سوی او درباره تشکیلات نظامی حیره است. (ج ۱، ص ۱۰۵ به بعد)

منابع ابوالبقا در تالیف المناقب المزیديه
متاسفانه ابوالبقا در معرفی منابعی که استفاده کرده به تفصیل سخن

نمی گوید، آیا فرد دیگری به نام ابوالبقا هبة الله حلی نداریم که طبقه حدیثی وی با مؤلف کتاب تطبیق کند؟ خوشبختانه در کتاب المزار (ص ۴۳۴-۴۳۵) سلسله سندی آمده که در آن نام عالمی امامی به نام رئیس الأجل ابوالبقا هبة الله بن ناصر بن حسین بن نصر (نصیر) آمده که در ربیع الاول (۴۸۸ ق) در نجف برای ابن طحان نقل روایت کرده است (اجمال این روایت در بحر الانوار، ج ۹۸ ص ۱۶۵ و مستدرک الوسائل، ج ۱۰ ص ۳۰۲-۳۰۳ نیز آمده است).

نکاتی که در منابع امامیه درباره ابوالبقا هبة الله بن ناصر بن حسین بن نصر آمده اندک است. احمد بن موسی بن طاووس (متوفی ۶۷۳ ق) در کتاب نبال الحقاله الفاطمیه (تحقیق سید علی عدنان غریقی، قم، ۱۴۱۱ ق، ص ۱۶۱-۱۶۴) خبری از ابوالبقا درباره جنگ بدر آورده است. در مجموعه شهید اول نیز خبری در کیفیت چگونگی درود فرستادن بر پیامبر آمده که نام ابوالبقا در ضمن اسناد آن آمده است. (مستدرک الوسائل، ج ۵ ص ۳۴۷-۳۴۸). آثار رجالی امامیه اطلاع بیشتری درباره وی در اختیار ما قرار نمی دهند. بر اساس آن چه که وی در شرح حال مناقب سیف الدوله صدقه بن منصور دیبسی (متوفی ۵۰۱ ق) آورده، می توانیم از حیات او تا ۵۵۲ سخن بگوییم.^۱ احتمالاً وی اندکی بعد از این تاریخ درگذشته است. اهمیت کتاب المناقب المزیديه فی اخبار الملوک الاسدییه، سواى آن که کتابی کهن درباره خاندان شیعی بنو مزید حله است،^۲ اطلاعات گسترده ای درباره تاریخ جاهلیت و صدر اسلام، خاصه روابط اعراب با ساسانیان و امارت آل منذر در حیره در اختیار خواننده می گذارد. خوشبختانه قسطنتر (Kister) در مقالات متعدد خود درباره اوضاع اقتصادی - سیاسی مکه در جاهلیت و مقارن ظهور اسلام، تحلیل های کاملی از این اطلاعات را آورده است.^۳

اهمیت تاریخی کتاب المناقب المزیديه

تاریخ حیره و تاثیر آن بر حیات اجتماعی - سیاسی جزیره العرب را بیشتر قسطنتر که فضل شناخت کتاب المناقب نیز از اوست، به خوبی بیان کرده است. قسطنتر محقق برجسته تاریخ جاهلیت و صدر اسلام در مقاله ای با عنوان «حیره نکاتی از روابط آن با اعراب» نحوه این تاثیرات را بیان کرده است. در این مقاله قسطنتر با وصف رقابت موجود بین روم و ایران برای دست اندازی و یافتن جای پای در جزیره العرب به تشریح شرایط و موقعیت عربها پرداخته است. به عقیده قسطنتر دامنه این رقابت ها به دولت های دست نشانده آنها یعنی آل منذر در حیره و آل غسان نیز کشیده شده بود. قسطنتر در بررسی خود نتیجه می گیرد که امرای حیره به چند طریق سعی کردند تا نفوذ و سیطره خود بر جزیره العرب را تحکیم

۱۳۲ به بعد نیز آورده است.

۹. این تاریخ را می‌توان از اشاره مؤلف به سلطان سنجر سلجوقی (متوفی ۵۵۲) دریافت که به گونه‌ای از او یاد کرده، که دلالت بر مرگ این سلطان سلجوقی دارد. المناقب المزیديه، ج ۲ ص ۴۲۶.

۱۰. در کتاب المناقب اطلاعات مهمی دربارهٔ سیف‌الدوله حمدانی آمده است (عن مناقب سیف‌الدوله ص ۴۹۵-۵۰۰، ۴۲۵-۴۳۱) 11. M.J Kister, "Al- Hira: some notes on its Relation with Arabia", Arabica, xv (1968). also published in idem studies on Jahiliyya and Early Islam.

این مقاله با این مشخصات به عربی نیز ترجمه شده است: م. ج قسطنطین، الحيرة و مكة، و صلتهم بالقبائل العربية، ترجمة يحيى الجبوري، جامعة بغداد، ۱۳۹۶/۱۹۷۶. این مقاله را نگارنده به فارسی نیز ترجمه کرده است.

۱۲. یک راه دیگر گروگان‌گیری فرزندان قبایل بود که سپاه خاصی به نام رهائن را تشکیل می‌دادند المناقب المزیديه، ج ۱ ص ۱۰۷.

۱۳. از تالیف کتاب النوافل به وسیله ابن کلبی و ابن حکم اطلاع داریم، اما آیا این نقل قول از این دو کتاب است؟ ر.ک: ابن ندیم، الفهرست، ص ۱۰۷-۱۰۸.

۱۴. اصل این کتاب هنوز منتشر نشده است اما گزیده‌ای از آن با این مشخصات منتشر شده است: تهذيب الانساب و نهاية الاعقاب، استدراك و تعليق ابن طباطبا (قم، ۱۴۱۳) تحقیق محمد کاظم محمودی.

۱۵. مآخذ دربارهٔ تاریخ حیره که حاوی اطلاعات و آگاهی‌های تاریخی موثق باشد، به گونه‌ای که بتوان با کمک منابع دیگر صحت آن را تأیید کرد، به واقع اندک است. عبدالعزیز الدوری در این باره نوشته است: «در شمال جزیره العرب، نزد خاندان آل منذر کتبی که حاوی اخبار اعراب حیره و انساب و سیر پادشاهانشان باشد، در دیرهای حیره موجود بوده است. همان گونه که آنها اخبار زیادی از تاریخ ایرانیان داشته‌اند. بعضی از مورخان از این کتاب‌ها و اخبار تاریخی در تالیف آثار خود استفاده کرده‌اند». عبدالعزیز الدوری، بحث فی نشأة علم التاريخ عند العرب (بیروت، ۱۹۸۳)، ص ۱۶. مؤلف کتاب المناقب المزیديه بر استفاده از این گونه کتاب‌ها تأکید دارد (و ذکر فی بعض کتب الحیره، ج ۲ ص ۵۰۰).

۱۶. این بخش‌ها را با عبارت‌های مشابه در المجرم، ص ۱۳۶ به بعد و ۲۳۴ به بعد مقایسه کنید. از نکات با اهمیت کتاب المناقب المزیديه می‌توان به نقل اشعاری از مؤلف آن (ج ۲، ص ۴۹۸-۴۹۹، ۵۲۵)، بهره‌گیری مؤلف آن از دیوان ابوتمام (ج ۱ ص ۳۳-۳۴)، دیوان ابونواس (ج ۱ ص ۳۳)، تاریخ طبری (ج ۱، ص ۴۳، ۱۱۰، ۲۶۲، ۲۷۱) و سیره ابن اسحاق (ج ۱، ص ۴۶، روی ابن اسحاق، ج ۱، ص ۴۷) فروی ابن اسحاق؛ ج ۱، ص ۴۹؛ قال ابن اسحاق، ج ۱ ص ۶۲؛ روی ابن اسحاق صاحب المغازی اشاره کرد.

نرآنده است. فقط به دو کتاب النوافل (ج ۱، ص ۱۶۵) و کتاب تهذيب الاعقاب (ج ۱، ص ۱۶۳) اشاره کرده است. با وجود این، می‌توان حدس زد که منابع مهمی خصوصاً دربارهٔ حیره و مناسبات اعراب با آن در اختیار داشته است.^{۱۵} گرچه برخی از مطالب را از طبری، ابن قتیبه، ابو عبیده معمر بن مثنی، ابو عبیده قاسم بن سلام، ابن اسحاق و نصر بن مزاحم نقل می‌کند. حتی اشعاری از کمیت شاعر بلند آوازه شیعی به عنوان استشهد در اثر خود آورده است از اطلاعات جالب دیگر ابوالیقا آگاهی‌های او از اعراب و تقسیم‌های خاص دربارهٔ اعراب است. آگاهی‌هایی دربارهٔ جمرات العرب، اثنای العرب، اجواد العرب و جز آن که مجموعه قابل توجه و تأملی است. (ج ۱، ص ۱۶۶).

پی‌نوشت‌ها:

۱. حسن انصاری قمی، «کتابی تاریخی از یک مؤلف ناشناخته» نشر دانش، سال شانزدهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۷۸، ص ۸۱-۸۲.
۲. نقلی نیز از یکی دیگر از آثار ابن عالم امامی در کتاب خلاصة الایجاز (ص ۲۳) دربارهٔ نکاح موقت آمده است.
۳. دربارهٔ نصر بن مزاحم و کتاب وقعة الصفین وی ر.ک: رسول جعفریان، «منابع کتاب وقعة الصفین نصر بن مزاحم عطار منقری» آیین پژوهش، شماره ۸۲ (مهر - آبان ۱۳۸۲)، ص ۶۶-۷۷.
- این نقل قول‌ها مورد توجه آقای مدرسی قرار نگرفته و در کتاب بازمانده‌هایی از سنت امامیه به آنها در ذیل کتاب الصفین جابر بن یزید جعفی ارجاع نداده‌اند. ر.ک: Hossein Modarressi, Tradition and Survival: A Bibliographical Survey of Early shiite literature (London, 2003), vol 1 p.p. 100-101.

۴. عبارت اضافه شده در سلسله سند در داخل پرانتز از ماست. طریق نقل شده در متن کتاب افتادگی دارد و به خطا چنین آمده است: ابی‌المفضل عن حمید بن یونس بن علی العطار...

۵. دربارهٔ نرسی بنگرید به: عبدالسلام بن عباس الوجیه، اعلام المؤلفین الزیدیه، ص ۹۷۴؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱۹، ص ۲۷۴-۲۷۶.
۶. بنگرید به: سید محمد حسین جلالی، دراسة حول نهج البلاغة (بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۱ ق)، ص ۷۹-۸۰.
۷. دربارهٔ این فرد و خاندان شیعی آل نما بنگرید به مدخل آل نما در دائرة المعارف بزرگ اسلامی.

۸. نیز بنگرید به: خاتمة المستدرک الوسائل، ج ۲۱، بخش سوم، ص ۱۸-۱۹. مشهدی در کتاب دیگر خود، فضل الکوفه و مساجدها (تحقیق محمد سعید طریحی، ص ۴۰-۴۱) نیز از طریق ابن نماحلی از ابن طحال که در ۵۳۱ برای ابن نما حدیث نقل کرده، روایت کرده است. همین روایت را در کتاب المزار (تحقیق جواد قیومی، قم، ۱۴۱۹)، ص